

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

ملک الشعراء استاد اسیر

۰۷ مارچ ۲۰۱۸

آدم و حوا

درسرت زن و مرد، حقایق نفهته هست که نا گفته مانده ویا کسی جرأت گفتنش را نداشته است. این دومی وجود، درزندگانی مشترک خانوادگی، باوجود توافق های روحی، بعضاً ناسازگاری های فکری و عدم اطاعت از خواسته های همدگر هم داشته اند، چنان که این حقیقت از بدوخلقت، باحضور آدم و حوا در بهشت دیده می شود و از همان آغاز، سرپیچی هاوسرکشیها در برابر هم شروع شده است، حتی در برابر امر خدا در خوردن میوه ممنوعه، ورنه خداوند این اولین مخلوق برگزیده خود را از بهشت برین، بر خاکتوده زمین، آواره و سرگردان نمی ساخت. من با حرمت بی پایان به مقام والای زن و اعتراف بر، خود خواهی های مرد در بعضی موارد، حقایق را در سروده ذیل گنجانده ام که زندگانی مشترک زن و مرد عاری و خالی از آن بوده نمی تواند، تا دوستان چه فرمایند:

اگرچه زن و مرد، یار همند زمانی، به ناگاه بار همند
از آن روزگاری که با اشتباه به سوی زمین طی نمودند راه
ندانست مرد، اشتباه از چه بود نفهمید زن، این گناه از که بود
خدا کرد کاری که این هر دو را فرستاد اینجا به ظلمتسرا
که هریک به رنگی بگوید منم ترا حسن اگر هست، من احسنم
زنان را بود جایگاهی اگر ز مردان نمایند کسب اثر
نمی بود اگر زن، نمی زاد مرد نمی خورد زن، گر نمی داد مرد
زن و مرد باهم چو جسمند و جان گر این دو نباشد، نباشد جهان
اگر بازوی مرد نان آوراست سر پنجه زن، جهان گستر است
پی انتظام جهان دنی ز مردان بود مردی، از زن زنی
به همت زن و مرد نیکوسرشت زمین را بسازند همچون بهشت
بنای محبت نهادن خوش است و مردانگی همزه زن خوش است
اگر مرد وزن هر دو یکجا شود بهشتی که گم گشته پیدا شود

م. نسیم «اسیر» ۲۲ جون ۱۲ ع، فرانکفورت